

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

آبان ماه ۱۳۸۹ نوامبر ۲۰۱۰

شماره ۵۲

[www.toufan.org](http://www.toufan.org) [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

از فعالین سندیکائی و خانواده آنها حمایت و عملکرد جنایتکارانه مزدوران وزارت اطلاعات را محکوم کنیم! ص. ۱

## کارگر زندانی آزاد باید گردد!



مهندس حرمت عیوب، مشاوران جباری، علیرضا عالی، جعفر مطهرزاده، شاپور انصاری و...



علیرضا تنی، سعید یزدی، سعید انوری، جرم حاجیپس

اعتصابات و اعتراضات نوید بخش در فرانسه ص. ۳



به بهانه فرا رسیدن سالگرد پیروزمند انقلاب سوسیالیستی کبیر اکتبر شوروی ص. ۴



نزاع شیعه و سنی و بهره برداری امپریالیسم از ابزار مذهب ص. ۴

اطلاعیه، رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد مذاکرات اخیر ص. ۵



## کوتاه و خواندنی ص. ۷

نفرت اکبرگنجی از انقلاب \ سوئد، امپریالیستی کوچک اما موذی \

معدن چیان شیلی



پاسخ به چند سوال یکی از خوانندگان گرامی نشریات توفان ص. ۹

خواسته‌های طبقه کارگر و نقش ضد کمونیست‌ها در جنبش دموکراتیک ص. ۱۰

## از فعالین سندیکائی و خانواده آنها حمایت و عملکرد جنایتکارانه مزدوران وزارت اطلاعات را محکوم کنیم!

### کارگر زندانی آزاد باید گردد!



مصطفی حیات‌نژاد، مصطفی حیات‌نژاد، فلاح‌رضا علی، جعفر مطیع‌زاده، شاهرخ انصاری و...



طهرعلا آقایی، سعید یونسی، سعید انوری، بهرام جابری...

وظیفه انسانی و اخلاقی و وجدانی هر انسان شرافتمند و آزادیخواه و هر نیروی مترقی و مردمی است که با تمام قوا و امکانات از کارگران فعال در بند و خانواده آنها حمایت کرده و نفرت و انزجار خود را نسبت به عملکرد دستگاه‌های جنایتکار و سرکوبگر جمهوری اسلامی ابراز نماید.

فعالین سندیکائی در ایران تنها با ضرب و شتم و تهدید و ارباب و فشارهای مالی و اخراج و زندان و شکنجه و ترور مواجه نیستند، بلکه رژیم جنایتکار اسلامی برای فشار مضاعف به آنها، اعضاء خانواده و بستگان آنها را نیز مورد تهدید و آزار و اذیت و شکنجه و ترور روحی و روانی قرار می‌دهد. منصور اسالو دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد که در حال حاضر در زندان رجائی شهر به سر می‌برد، دارای بیماری قلبی و کلیوی است، همچنین از ناحیه چشم نیز دچار عارضه است و تا کنون چندین بار مورد جراحی قرار گرفته. ناراحتی چشم او به خاطر ضرباتی است که مأمورین وزارت اطلاعات بر او وارد کرده‌اند. او ماه‌ها مجبور به تحمل سلول انفرادی بوده و چندین بار در زندان مورد سوء قصد قرار گرفته است.

روز چهارشنبه ۲ تیر ماه ساعت ۱۷،۳۰ هنگامی که خانم زویا صمدی عروس منصور اسالو دبیر سندیکای شرکت واحد از محل کارش عازم منزل بوده در ایستگاه متروی طرشت مورد یورش وحشیانه مأمورین وزارت اطلاعات قرار گرفته و در حالی که ایشان را در مقابل چشم مردم مورد ضرب و شتم قرار داده و موهایش را می‌کشیدند دستگیر و به محل نامعلومی منتقل می‌کنند. مأمورین در خلال شکنجه به او می‌گویند: "او باید تعهد دهد که اسالو اگر آزاد شد ایران را ترک کند و کاری انجام دهد".

خانم زویا صمدی، عروس جوان خانواده اسالو، در پی ربوده شدن و ضرب و شتم وارده، جنین دوماهه خود را سقط می‌کند. خانم اسالو همسر منصور اسالو در مصاحبه با روزآلین در این رابطه می‌گوید: "زویا صمدی مهندس است و هیچ‌گونه فعالیت خاصی انجام نمی‌دهد. این مسئله کاملاً در راستای ایجاد فشار مضاعف برای آقای اسالو صورت گرفته و عروس بی‌گناه مرا برده و به شدت به روح و روان و جسم او آسیب زده‌اند تا آقای اسالو را بترسانند.

در تاریخ ۲۲ مهرماه مأمورین امنیتی طی یک تماس تلفنی که با تهدید و بی‌حرمتی همراه بوده، با لحنی توهین آمیز همسر و عروس اسالو را به دادگاه احضار می‌کنند. آقای غلامرضا غلامحسینی از فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد در جریان اعتصاب سال ۸۴ دستگیر و مدتی در زندان اوین بازداشت و به مدت ۴ سال از کار تعلیق شدند. ایشان که ۸ ماه پیش از اداره کار حکم بازگشت به کار را دریافت کردند مجدداً از دوم مرداد از کار تعلیق شدند. مأمورین وزارت اطلاعات کرج در روز دوشنبه ۱۹ مهر ماه به منزل آقای غلامرضا غلامحسینی به قصد دستگیری ایشان یورش برده و چون به علت عدم حضور در منزل موفق به دستگیری او نشدند، ضمن بازرسی منزل و مصادره وسایل شخصی نظیر کتاب و سی دی و دفترچه تلفن و مدارک قانونی و کامپیوتر، فرزند ایشان را به نام امیر غلامحسینی که ۱۵ سال سن دارد به گروگان گرفته و او را مورد بازرجویی و تهدید قرار می‌دهند. آنها هم چنین در طی تماس‌های تلفنی که با همسر آقای غلامحسینی داشتند آزادی فرزندش را مشروط به معرفی همسرش نموده بودند. جمهوری اسلامی که فاقد هرگونه مشروعیت و مقبولیت مردمی است و برای حفظ و بقاء حاکمیت خود تنها به نیروهای مزدور و جنایتکار نظامی و انتظامی و امنیتی و اطلاعاتی و باندهای مافیائی متکی است در هراس از جنبش مردمی، به منظور مقابله با هر گونه سازماندهی کارگران و زحمتکشان و نیروهای آزادیخواه و مردمی دست به هرگونه خباثت و جنایتی می‌زند.

تحریم‌های اقتصادی و تهدیدهای نظامی کشورهای امپریالیستی عامل دیگری است که در جهت تضعیف جنبش مردمی عمل می‌کند.

جمهوری اسلامی که به دلیل فقدان پایگاه مردمی قادر به ایستادگی و مقابله با این تهدیدات نیست و در ضمن از جنبش‌های مردمی و آزادیخواهانه داخلی بیشتر از دشمنان خارجی وحشت دارد، با مستمسک قراردادن این تحریم‌ها و تهدیدات نظامی، فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به کارگران و زحمتکشان تشدید کرده و فشار را بر فعالین سندیکائی و سازماندهندگان سایر جنبش‌های آزادیخواهانه افزوده است.

کارگران و زحمتکشان و نیروهای آزادیخواه برای رهائی از وضعیت فلاکت‌بار موجود راهی جز اتحاد و مبارزه و تشکیلات ندارند.

## اعتصابات و اعتراضات نوید بخش در فرانسه

بحران فرانسه و مبارزه طبقه کارگر برای بهبود شرایط زندگی خود تودهنی محکمی به همه کساناست که فاتحه موجودیت طبقه کارگر را در هم‌نوائی با بورژوازی امپریالیستی خوانده بودند. مارکس و انگلس در بیانیه حزب کمونیست در مورد این بحران‌ها که گریبان سرمایه‌داری را آن چنان می‌گیرد تا سر انجام به تنگی نفس دچار شود، می‌آورند:

«از چه طریقی بورژوازی بحران را دفع می‌کند؟ از طرفی به وسیله محو اجباری توده‌های تمام و کمالی از نیروهای مولده و از طرف دیگر به وسیله تسخیر بازارهای تازه و بهره‌کشی بیشتری از بازارهای کهنه و بالاخره از چه راه؟ از این راه که بحران‌های وسیع‌تر و مخرب‌تری را آماده می‌کند و از وسایل جلوگیری از آنها نیز می‌کاهد.» (چاپ فارسی ص ۴۴).

بورژوازی فرانسه به رهبری سارکوزی در پی بهره‌کشی بیشتر از بازارهای کهنه و به سخن دیگر از بازار داخلی است و این طبقه کارگر و زحمتکشان فرانسه هستند که باید بار بحران را از طریق تنزل سطح زندگی، بالا بردن سن بازنشستگی و پایمال کردن دست آوردهای تاریخی خود تحمل کنند تا بورژوازی امپریالیستی فرانسه بتواند در مقابل بورژوازی آلمان و سایر بورژواها در اروپای متحد قدرت رقابت و غارتگری خود را حفظ کند.

اعتصابات و تظاهرات‌های درخشان کارگران و زحمتکشان و جوانان فرانسوی که می‌رود کل کشور را فلج کند ظاهراً اعتراضی است به رد اصلاح رویه بازنشستگی از ۶۰ به ۶۲ سال لیکن این اعتراض تبلوری از نارضایتی گسترده‌ای است نسبت به سیاست‌های نئولیبرالی و ارتجاعی دولت محافظه کار نیکلا سرکوزی که وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان را به شدت وخیم کرده است.

طبق اطلاعیه‌های خبری سندیکاهای فرانسوی روز سه شنبه ۱۹ اکتبر بیش از ۳,۵ میلیون نفر در سراسر فرانسه اعم از کارگر و کارمند و دانشجو و دانش آموز در تظاهرات شرکت کردند. این اعتصابات و اعتراضات خیابانی هر روز گسترده‌تر و متشکل‌تر و آگاهانه‌تر بورژوازی فرانسه را به چالش می‌گیرد. مردم فرانسه و در پیشاپیش آن کارگران با صدای بلند فریاد می‌زنند که مخالف تغییر اصلاح نظام بازنشستگی هستند، مخالف سیاست‌های ویرانگر نئولیبرالی و کاهش دستمزد و صرفه‌جویی در بخش خدمات هستند. اما دولت سرکوزی با قلداری قصد آن دارد تا با توسل به نیروی پلیس اعتصابات کارگری و جنبش اعتراضی فرانسه را درهم شکند. پلیس فرانسه در چهارشنبه ۲۰ اکتبر با توسل به گاز اشک‌آور و حمل‌ه و حشیانه به جوانان شهر لیون نشان داد که فرمان سرکوب معترضین را از دولت دریافت کرده است. طبق گفته وزارت کشور فرانسه در روزهای گذشته بیش از ۱۴۰۰ نفر بازداشت شدند و این دستگیری‌ها هنوز ادامه دارد.

پیوستن بیش از ۱۲۰۰ دبیرستان به اعتصاب کارگران و حمایت گسترده دانش‌آموزان و جوانان از آن خون تازه‌ای در رگ این جنبش علیه بورژوازی فرانسه جاری گشته است. اعتصاب در بخش حمل و نقل و خدمات، پست، برق و... دولت را فلج کرده است. نیکلا سرکوزی هشدار داده است اعتصابات اخیر پیامدهای سنگینی برای فرانسه خواهد داشت... سنای فرانسه تا آخر ماه اکتبر در مورد طرح تغییر سن بازنشستگی تصمیم می‌گیرد.

اما آن چه مهم است دورنمای این مبارزات است و اینکه این جنبش به کدام سمت باید برود و با کدام رهبری سیاسی هدایت شود. طبیعی است این مبارزات تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری به موفقیت‌هایی ولو کوچک نایل خواهد آمد. اما این رهبری در نهایت توان مقابله با بورژوازی را نخواهد داشت و در نیمه راه متوقف خواهد شد. فقط حزب واقعی کمونیستی که با جهان بینی مارکسیستی لنینیستی مسلح باشد قادر است این مبارزه را رهبری و سرانجام به پیروزی برساند و به دردها و آلام مردم پایان دهد. حزب کمونیست کارگران فرانسه تنها حزبی است که سالهاست با انواع و اقسام انحرافات رویزونیستی و رفرمیستی پیکار کرده و این رسالت را دارد که رهبری این مبارزات را در آینده در دست گیرد. تنها با این دورنماست که می‌توان به پیشروی ادامه داد و جامعه را از ظلمت سرمایه‌داری رها کرد.

**زنده باد پیکار کارگران فرانسه علیه بورژوازی و نوکرانش!**

## به بهانه فرا رسیدن سالگرد پیروزمند انقلاب سوسیالیستی کبیر اکتبر شوروی



لنین بر اساس تجزیه و تحلیل علمی تکامل اجتماعی روسیه، بر اساس تجزیه و تحلیل علمی اوضاع بین‌المللی، به این نتیجه رسید که یگانه راه برون شدن از اوضاع، پیروزی سوسیالیسم در روسیه است. این استنتاج برای بسیاری از مردان عالم آن زمان کاملاً غیرمنتظره بود. پلخانف که یکی از برجستگان علم بود در آن موقع لنین را تحقیر می‌کرد و می‌گفت که "هذیان می‌گوید". دیگر مردان علم که اشتهاشان کمتر نبود اظهار می‌کردند که "لنین عقلش کم شده است" و باید او را هرچه ممکن است دور ساخت. آن موقع انواع و اقسام مردان علم علیه لنین که او را یک شخص مخرب علم می‌دانستند زوزه راه انداخته بودند. ولی لنین هراسی نداشت از این که برخلاف جریان شنا کند و با کهنه پرستی به مبارزه برخیزد. و لنین پیروز شد. اکنون در نود و سومین سالگرد انقلاب اکتبر جهان در اوضاع و احوال دیگری است. غلبه رویزیونیسم بر کشورشورها و احیای سرمایه‌داری، هجوم امپریالیسم به دستاوردهای تاریخی پرولتاریا و زحمتکشان، تهاجم ایدئولوژیک علیه مارکسیسم لنینیسم و پراکندن میکروب لیبرالیسم و انفرادمنشی و نفی حزبیت و نفی لنینیسم ... شرایطی آفریده که بسیاری از روشنفکران متأسفانه مرعوب این تهاجم افسارگسیخته و شکست موقتی جنبش جهانی کمونیستی گشته و به جای درس آموزی از شکست‌ها و به جای این که شجاعانه برخلاف جریان شنا کنند، با نفی لنینیسم به لیبرالیسم و اپورتونیسم درغلندند. اگر تا دیروز حمله به استالین مد روز بود و عده‌ای خود را منتقد استالین اما "مدافع لنین" جلوه می‌دادند، اکنون پرده‌ها را کنار زده، بی پروا به لنین و لنینیسم و دیکتاتوری پرولتاریا پارس می‌کنند. این مردان علم که اشتهاشان کمتر از پلخانف‌ها و کارل کائوتسکیست‌ها نیست مدافعین لنینیسم را کهنه پرست و مخرب علم می‌دانند و همانند پدران دانشمندان علیه لنین و لنینیسم زوزه راه انداخته‌اند. اما همان طور که لنین را هراسی نبود که برخلاف جریان آب شنا کند ما نیز در این اوضاع و احوال آشفته و دود اندود شده هراسی نداریم که بی پروا از لنینیسم به مثابه مارکسیسم عصر امپریالیسم دفاع کنیم و درمقابل خیل عظیم خورده بورژواهای رنگارنگ که پرچم ارتداد و سفید را به اهتزاز درآورده‌اند محکم و استوار بایستیم

### سخن هفته

### نقل از فیسبوک حزب کار ایران (توفان)

\*\*\*\*\*

## نزاع شیعه و سنی و بهره برداری امپریالیسم از ابزار مذهب

هنگامی که مجلس خبرگان مشغول تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی بود و هنوز آقای منتظری نایب امام خمینی و دارای ارج و قربی بود، به علت همین نزدیکی با ارباب قدرت ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی را به عهده گرفته بود و در آن روزها حتی برای "برادران سنی" اش پیشیزی ارزش قایل نبود. ایشان پیشنهادی را برای تصویب به مجلس خبرگان ارائه داد که محتوی آن تفرقه افکنانه و خطرناک بود و اگر پا در میانی معاونش بهشتی نبود معلوم نبود چه وضعیت خطرناکی در ایران پدید می‌آمد. ایشان سنگی را به داخل چاه انداخته بودند که صداها عاقل در پی آن بودند آن را بی سر و صدا و بدون آبروریزی بیرون بیاورند. مضمون پیشنهاد ایشان این بود که باید دین رسمی کشور مذهب برحق شیعه اثنی عشری باشد. مسخره بودن این پیشنهاد در آن بود که تکیه را بر "برحق" می‌گذاشت و از "برادران سنی" و نمایندگان ارامنه و آسوری‌ها و یهودیان می‌خواست که به این بند قانون اساسی رأی موافق دهند. وضعیت مضحکی که پدید آمده بود همه را دستپاچه کرد. اگر نماینده سایر ادیان با این بند قانون اساسی موافقت می‌کردند به آن مفهوم بود که همه آنها به دین اسلام شیعه اثنی عشری گرویده‌اند و بر برحق این دین و بطلان دین مورد قبولشان تا به آن روز رأی موافق داده‌اند. اگر با این پیشنهاد به مخالفت بر می‌خاستند به آن مفهوم بود که مذهب شیعه اثنی عشری را بر حق ندانسته و با یکی از اصول قانون اساسی که جمهوری اسلامی بر آن بنا شده است مخالفت آنها مخالفت با اساس جمهوری اسلامی بود و مفسد فی الارض و محارب با خدا محسوب می‌شدند. تصویب چنین بندی علیه حداقل ده در صد ایرانیان غیر شیعه به حساب می‌آمد و می‌توانست کینه مذهبی را تشدید کند و سنی را به جان شیعه و مسیحی و یهودی را به جان مسلمانان بیاندازد و ابزاری قانونی برای سرکوب پیروان ادیان دیگر فراهم آورد. این طرح آقای منتظری با پادرمیانی آقای بهشتی معروف به "روباغه" و گرفتن ریاست جلسه

در "غیاب" آقای منتظری در میان اعتراضات برحق نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس خبرگان تصحیح شد و واژه "برحق" از متن اصلی حذف گردید.

در اسفند سال ۸۲ مطبوعات ایران گزارش دادند که در شهر خواف شهرستان تربت حیدریه در استان خراسان میان سنی‌ها و شیعیانی که در مراسم عزاداری عاشورا شرکت کرده بودند درگیری رخ داده. این درگیری که در اثر تصادف وانت بار عزاداران با دو موتور سوار سنی روی داد به زد و خورد شیعه و سنی منجر شد که چند روزی طول کشید. طبیعتاً در یک شرایط عادی نباید تصادفی منجر به برخوردهای مذهبی شود. برخوردهای مذهبی زمانی بروز می‌کند که تضییقات مذهبی وجود داشته باشد. زمانی که مذهب شیعه دوازده امامی به عنوان دین رسمی کشور در قانون اساسی ثبت باشد و حقوق شهروندی سایر مذاهب و قوم‌ها را به زیر پا بگذارد.

در حقیقت حکومت مذهبی جمهوری اسلامی که اساس پیدایش دولت جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن که شالوده زندگی مشترک مردم کشور ما را پایه ریزی می‌کند با ستیزه جوئی با سایر ادیان به وجود آمد. حقوق شهروندی در پای خرافات مذهبی قربانی شد. ملاها با همین نگاه به جامعه ایران حکومت کردند و تا توانستند برای پیروان سایر مذاهب تضییقات فراوان به وجود آوردند. آنها اعتقادات شخص خویش را اساس ساختمان جامعه مشترک همه مردم ایران قرار دادند و طبیعی بود که این زورگوئی و استبداد مذهبی با شکست و انزوای کامل روبرو شود و خوشبختانه لگدی کاری به مذهب بزند که نقش آن را در آینده ایران به حداقل برساند و راه پذیرش مذهب به عنوان امر خصوصی را هموار نماید.

می‌بینیم که آن کس که تخم نفاق میان مذاهب را در ایران و منطقه کاشت، رژیم جمهوری اسلامی ایران بود. حال این تف سر بالا بر پیشانی آنها افتاده است و نمی‌دانند که چگونه از این چاهی که برای خویش کنده‌اند بیرون بیایند. امپریالیست‌ها دقیقاً با تکیه بر همین کارنامه سیاه جمهوری اسلامی تنور نزع میان شیعیان و سنی‌ها را داغ می‌کنند و به این دشمنی دامن می‌زنند. امروز دمیدن در آتش این نزع به ضرر جمهوری اسلامی است و وی را در میان مردم مسلمان و پیروان سایر ادیان که این نقش ارتجاعی را می‌بینند به کلی منزوی می‌کند. بی‌جهت نیست که ملاها امسال در ماه محرم در روضه خوانی‌های خویش هشدار می‌دادند که نباید به دام دسیسه‌های امپریالیست‌ها و شیطان بزرگ و صهیونیست‌ها افتاد و به جنگ شیعه و سنی دامن زد. به یکباره "برادران سنی" دارای حق و حقوقی شدند و مورد احترام این ملاهای شیدار قرار گرفتند. طبیعتاً این روضه خوانی‌ها تا زمانی که حکومت ایران یک حکومت مذهبی بماند مفهوم دیگری جز دشمنی با سایر ادیان و مذاهب از جمله سنی مذهب نخواهد داشت. نصیحت و توصیه و هشدار پیشیزی ارزش ندارد و نمی‌تواند مانع دسیسه چینی امپریالیسم و صهیونیسم گردد. اتفاقاً امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها به علت ماهیت ارتجاعی حکومت‌های مذهبی و از جمله حکومت جمهوری اسلامی به بهترین وجهی می‌توانند از همان ابزار مذهب برای سرکوب رژیم ارتجاعی جمهوری سرمایه داری اسلامی استفاده کنند. و این امر در عراق و منطقه به روشنی مشاهده می‌شود. جمهوری اسلامی در گزک دادن به امپریالیست‌ها ید سی ساله دارد و تنها با بر انداختن این رژیم نفاق افکن و استقرار نظامی دموکراتیک که برابری همه مذاهب و حقوق دموکراتیک همه اقوام و ملل را به رسمیت می‌شناسد می‌توان وحدت مردم ایران را تحکیم نمود و دسیسه‌های امپریالیستی را خنثی ساخت.

\*\*\*\*\*

## اطلاعیه

### رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین

این بیانیه از طرف جبهه خلق برای آزادی فلسطین به دفتر حزب کار ایران (توفان) ارسال شده و ما به خاطر اهمیت موضوع نشست اخیر محمود عباس و دارودسته صهیونیست اسرائیل و آشنایی خوانندگان به مواضع این جبهه آن را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه و در اختیار علاقمندان قرار می‌دهیم به این امید که گامی ولو کوچک در تنویر افکار و روشن شدن تغییر و تحولات منطقه و مواضع احزاب و سازمان‌های فلسطینی برداشته باشیم.

#### هئیت تحریریه توفان

\*\*\*\*\*

### بیانیه کمیته مرکزی جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP)

با توجه به تصمیم رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) در باره از سرگیری مذاکرات مستقیم با دولت دار و دسته صهیونیست، کمیته مرکزی (PFLP) نشستی فوق‌العاده برگزار کرد و در آن تحولات و خطرات جاری را مورد بحث قرار داده است. کمیته مرکزی، واقف به اهمیت تاریخی تحولات سیاسی در میان فلسطینی‌ها و اعراب، مطالب زیر را به اطلاع می‌رساند: به سال ۱۹۹۳ میلادی، زمانی که (PFLP) توافقات اسلو را رد کرد، هم زمان به خلق فلسطین نیز درباره عوارض مصیبت بار آن برای مسئله فلسطین، برای مبارزه، استراتژی و طرح ملی سازمان آزادیبخش فلسطین، خاصه درباره این که این توافقات ما را تسلیم اشغالگر می‌کند، هشدار داد. به اطلاع می‌رسانیم که بازگشت به مذاکرات مستقیم، که طی دو دهه گذشته همواره با شکست روبرو



گشته و خون ریخته خلق ما در جریان مبارزات سال ۲۰۰۰ میلادی را هم ضایع کرد، فقط یک گام دیگر در راه مخربی است که در اسلو گشوده شد. نوعی اطاعت از احکام تازه امپریالیست‌های آمریکائی و صیهونیستی را در خود پنهان دارد. نفی حقوق ملی - تاریخی خلق ما، خاصه نفی حق بازگشت پناهندگان، حق شهروندی و حق حضور فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۴۸ میلادی را دنبال می‌کند.

این مذاکرات کمک می‌کند تا دولت صیهونیستی از انزوا خارج شود، رهبران را در قبال عوارض جنایات و کشتارهایی که مرتکب شده‌اند، مورد حمایت قرار می‌دهد. همبستگی فزاینده با خلق ما و حقوقش را خنثی کرده و بر روی اعمال اشغالگر، استعمار، یهودی سازی اورشلیم، اخراج، محاصره، قتل‌ها و حبس‌ها سرپوش می‌گذارد. تصمیمی است برای فرسایش موقعیت و الزامات ملی، برای شرکت در تقدیس و تعمیق انشقاق مسیبت بار داخلی.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین همیشه با سازمان آزادیبخش فلسطین پیوند محکمی داشته است، حتی در لحظات سیاسی خیلی جنجالی و آن را به عنوان مهم ترین دستاورد فلسطینی در مد نظر دارد - که با خون محنت کشان و ایثارهای عظیم به دست آمده است، هرگز نمی پذیرد که این سازمان به پوشش اعمال و سیاست‌های مخرب برای مسئله ملی ما بدل شود، نهادهایش عروسکی و آلت دست گردند - فاقد استقلال، فاقد روحیه مبارزاتی، اصول دموکراتیک و قانونمند.

به همین خاطر جبهه خلق برای آزادی فلسطین، با تعلیق حضورش در جلسات کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش، به خلغمان درباره موضوع و عوارض خطرناک سیاست سازش و مذاکرات جاری تحت شرایط آمریکائی - اسرائیلی جهت تحمیل کنترل آمریکا و حذف سازمان ملل و قطعنامه‌هایش از این طریق، هشدار داده است. تصمیم ما زمانی اتخاذ شد که اسرائیلی‌ها، برخوردار از حمایت آمریکا، به پای تحمیل شناسائی خصلت یهودی دولت اسرائیل در روند مذاکرات رفته و به شدت استعمار، یهودی سازی اورشلیم و محاصره نوار غزه را در پیش گرفتند.

ناگفته نماند که در طرف فلسطینی، تصمیم بازگشت به این مذاکرات با حضور تنها یک سوم اعضای کمیته اجرائی اتخاذ شده است، یعنی رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین قدم دیگری در مسیر انحصار قدرت، در مسیر نادیده گرفتن تمام اشکال کار جمعی میان فلسطینی‌ها و تحقیر رد مذاکرات از طرف اکثریت نیروهای سیاسی و اجتماعی و توده مردم برداشته است.

بازگشت به مذاکرات مستقیم، اصلاً معرف یک پس رفت خطرناک در مقایسه با قطعنامه‌های مجمع مرکزی (نهاد قانون گذاری سازمان آزادیبخش فلسطین)، تعرضی است به سازمان آزادیبخش فلسطین، دستبرد به هویت ملی فلسطینی که می‌رزد و هم به کار جمعی فلسطینی‌ها.

به جای تقویت تصمیم گیری ملی، به جای تحکیم رابطه با سایر فعالان سیاسی و موضع رسمی عرب در خدمت مبارزه ملی و اهدافش از این طریق، رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین عرصه سیاسی را، با این شکل برخورد خویش با کمیته اجرائی، با این بالا ترین نهاد فلسطینی به مثابه یک نهاد فاقد استقلال، به کلی درهم ریخته است.

تصمیم برای از سرگیری مذاکرات، حتی پیش از طرح آن در کمیته اجرائی اتخاذ شده است، در نشستی با حضور فقط یک سوم اعضای حاضر و با وجود مخالفت نیروهای اصلی سازمان آزادیبخش فلسطین.

تصمیم به تعلیق حضور جبهه خلق برای آزادی فلسطین در جلسات کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین، به این معنا نیست که سازمان ما می خواهد به جریان‌های دیگری، موازی یا آلترناتیو در قبال سازمان آزادیبخش فلسطین... بپیوندد.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین نه فقط مخالف بهره‌وری از سازمان آزادیبخش فلسطین و تبدیل نهادهای آن به نهادهای عروسکی است، حتی مقابله با این سازمان را هم نمی پذیرد - چون آن را یک دستاورد مهم ملی می‌داند، که در لوای آن خلق ما و نیروهای سیاسی برای انقلاب کار کرده و کلی قربانی داده‌اند.

به علاوه، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، مثل گذشته، دست از مبارزه برای اصلاح سازمان آزادیبخش فلسطین، برای تکامل و بازسازی آن بر اساس مبانی ملی و دموکراتیک از راه گزینش‌هایی جهت حصول یک نمایندگی نسبی برای همه عناصر خلق در فلسطین... گزینش‌هایی که توسط اعلامیه قاهره در مارس ۲۰۰۵ و یا سند پیمان ملی سال ۲۰۰۶ میلادی تضمین شده‌اند. با اجرای این پیمان‌ها می‌توان به حالت انشقاق خاتمه داد، می‌توان به پای وحدت ملی رفت و عزم راسخ خلق مان در مبارزه علیه اشغالگر و اعمالش را تقویت کرد. در مرحله کنونی، ما اصلاح سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان یک وظیفه محوری برای تمام میهن پرستان فلسطینی در مد نظر داریم. جبهه خلق برای آزادی فلسطین، ضمن اعلان مجدد پیوند خود با سازمان آزادیبخش فلسطین، به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین، از همه شهروندان فلسطینی، نیروهای سیاسی، تمام بنیادهای اجتماعی و از شخصیت‌های مستقل می‌خواهد تا با سازماندهی جنبش‌های توده‌ای، مذاکرات جاری را متوقف کرده و به دور باطلی که با توافق اسلو شروع شد پایان دهند. ما جایگزین کردن این جریان را با فراخوانی برای برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی با صلاحیت، که در آن همه طرف‌های ذینفع حضور داشته باشند، لازم می‌دانیم. این کنفرانس بایستی در چارچوب سازمان ملل باشد، بایستی به قطعنامه‌های بین‌المللی مراجعه و اسرائیل را وادار به اجرای آنها نماید، فی‌المثل قطعنامه ۱۹۴ درباره لزوم بازگشت پناهندگان فلسطینی که مجبور به ترک زمین‌های خود شده‌اند و... هم زمان، ما از همه می‌خواهیم تا برای بازگشت به وحدت ملی و تهیه یک استراتژی سیاسی فلسطینی بر مبنای مطالبات ملی اجتناب ناپذیر بیشتر تلاش کرده و شرط بندی بر روی این قبیل مذاکرات را کنار بگذارند، چون تجربه نشان داده که چقدر پوچ و احمقانه‌اند.

با یکپارچگی، دمکراسی، عزم راسخ و مقاومت، ما به پیروزی خواهیم رسید!

افتخار بر جان باختگان ما، درمان برای زخم‌هایمان، آزادی برای زندانیانمان، پیروزی برای خلق ما!

کمیته مرکزی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، سپتامبر ۲۰۱۰ میلادی

**زنده باد همبستگی با مبارزات خلق فلسطین علیه اشغالگران صیهونیست!**

## کوتاه و خواندنی

### درحاشیه جایزه قلم طلایی نفرت اکبرگنجی از انقلاب

روز چهارشنبه ۶ اکتبر در کنگره مؤسسه جهانی مطبوعات جایزه قلم طلایی ۲۰۱۰ در شهر هامبورگ آلمان به آقای احمد زید آبادی رسید. آقای اکبر گنجی جایزه وی را دریافت و به جای او سخنرانی کرد. او پس از گریه زاری فراوان از دست شمر زمان چنین گفت: ".... زید آبادی انقلابی نیست و خشونت را راهی برای رسیدن به نظام دموکراتیک ملتزم به حقوق بشر و آزادی نمی داند. از نظر او روش‌های رسیدن به اهداف به اندازه خود اهداف مهم است. مبارزه بدون خشونت هم از منظر اخلاقی مهم است و هم از منظر عملی ثمر بخش. مبارزه عاری از خشونت در عین حال حس همدردی عمیق جامعه جهانی را بر می‌انگیزد و این پرسش را در اذهان مردم جهان به وجود می آورد که چرا رژیم فقه - فقیه سالار حاکم بر ایران اهل اندیشه و قلم را که هیچ سلاحی جز قلم خود ندارند به این شیوه‌های خشونت آمیز سرکوب می کنند..." به نظر می رسد که آقای گنجی از نیویورک آمده‌اند تا مأموریتی برای وطن را انجام دهند! با این گونه سخنان اگر نماینده اسرائیل هم در جلسه بود برای سخنان آقای گنجی هم اشک می ریخت و هم تشویق می کرد. آقای گنجی از انقلاب بیشتر وحشت دارند تا نظام جمهوری اسلامی! پس جای شرمی نخواهد بود که بگویند، مردم اشتباه کردند که انقلاب کردند چون از نظر آقای گنجی در پیوند به عقاید آقای زید آبادی اشاره می دارند: "...تن دادن به این بازی خطرناک چه بسا جامعه را به دور باطلی از خشونت‌های ویرانگر مبتلا کند که رهائی از آن تا چندین نسل آینده امکان پذیر نباشد." بر نویسندگانی چون آقای گنجی چه رفته است که از انقلاب چنان وحشت داشته باشند که مردم در مقابل حکومت روانی و آدمکش حکومت جمهوری اسلامی راه التماس و تمنا را تجویز کنند

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=۳۲۷۸۲>

\*\*\*\*\*

### سوئد، امپریالیستی کوچک اما مودی

سوئد این "مهد دمکراسی" و کعبه آمال بورژوا لیبرال‌های دوآتشه وطنی و غیر وطنی، یک کشور امپریالیستی و غارتگر است. این کشور یکی از ده کشور بزرگ صادرکننده اسلحه در جهان است. صدور اسلحه سوئد به خارج در خلال هفت سال اخیر دو برابر افزایش داشته و در سال گذشته رقمی برابر با ۱۳,۶ میلیارد کرون سلاح به دیگر کشورها فروخته است.

طبق گزارشات انجمن صلح سوئد، اسلحه تولید شده سوئد در شماری از جنگ‌ها از جمله توسط آمریکا در افغانستان و عراق مورد استفاده قرار گرفته است. مضافاً این که دول ارتجاعی و ممالکی که شدیداً به نقض حقوق بشر می پردازند مانند عربستان و پاکستان مرتب از سوئد اسلحه خریداری می کنند. دولت سوئد صرفنظر از هر رنگی که دارد، چه سوسیال دموکرات و یا محافظه کار به کشورهای در حال جنگ اسلحه فروخته و می فروشد و برای توجیه این عمل ضد بشری خود به هر دروغی متوسل می شود. ماهیت رژیم سوئد امپریالیستی است و تفاوتی با امپریالیست آمریکا ندارد. تفاوت فقط در کمیت، بزرگی و یا کوچکی انحصارات این دو کشور امپریالیستی است. دولت راینکفلد نیز مانند دولت فرانسه و سایر دولتهای سرمایه داری باید بار بحران را از طریق تنزل سطح زندگی، بالا بردن سن بازنشستگی و پایمال کردن دست آوردهای تاریخی به دوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد تا بورژوازی امپریالیستی سوئد بتواند در مقابل بورژوازی دانمارک، آلمان، ایتالیا ... و سایر بورژواها در اروپای متحد قدرت رقابت و غارتگری خود را حفظ کند.

صدور سرمایه و غارت و چپاول ملل تحت سلطه و به فروش رساندن سلاح مرگبار و کشتار مردم بیگناه از ماهیت این امپریالیست کوچک اما مودی برمی خیزد. حضور نظامی ارتش پانصد نفری سوئد در کنار ارتش آمریکا و ناتو در افغانستان ناشی از همین ماهیت غارتگرانه این کشور است که به عنوان توله سگ آمریکا در افغانستان انجام وظیفه می کند. اینها همه در قالب کمک رسانی، حقوق بشر، آزادی زن و دمکراسی و تمدن صورت می گیرد.

«تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار با به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فزونی مشترک طبقات متخاصم ختم می گردید، دست زده‌اند.»

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

## درحاشیه آزادی

**معادن چیان شیلی**

کارگران شیلی زمانی آزاد می شوند که نظام سرمایه‌داری برافتد



۳۳ کارگر معدن سان خوزه پس از ۶۹ روز اضطراب و نگرانی از ژرفای ۶۲۴ متری زمین به بیرون کشیده شدند و جان سالم بدر بردند. معدن سان خوزه که معدنی برای استخراج طلا و مس است اکنون به یک نام بین‌المللی که مظهر همبستگی و افشای وضعیت بس خطرناک کارگران و سیاست‌های ضد کارگری سرمایه‌داریست، تبدیل شده است. دولت بورژوا لیبرال شیلی ابتدا هیچ تمایلی نداشت تا خبر فروپاشی معدن سان خوزه و زندانی شدن کارگران در اعماق زمین از محدوده محلی فراتر رفته و احتمالاً موجب اعتراضات سراسری در شیلی و دیگر نقاط جهان گردد. اما به یمن مبارزات کارگران و خانواده‌های آنها و شبکه جهانی اینترنت و مبارزات اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی شیلی، بردولت تحمیل گشت و وی را مجبور ساخت تا برای نجات جان کارگران وارد عمل گردد. این نیروی کارگران و اتحاد و همبستگی داخلی و بین‌المللی بود که سرانجام ۳۳ کارگر زحمتکش از مرگ نجات یافتند.

طبق آمار رسمی در شیلی حداقل ۳۴ کارگر معدن در سال در اثر امکانات بد محیط کاری و بی توجهی کارفرمایان جان می‌بازند و کسی از آنها خبر ندارد. در اثر اجرای سیاست‌های نئولیبرالی بخش اعظم معادن به ویژه در قسمت شمالی شیلی خصوصی هستند و با به خطر انداختن جان کارگران و استثمار وحشیانه آنها ثروت‌های افسانه‌ای به جیب می‌زنند. جالب توجه است که ۳۳ کارگر آزاد شده در مصاحبه‌های مطبوعاتی علل فروپاشی معدن و نابسامانی محیط کار را به گردن صاحبان معدن و سرمایه‌داران انداختند و در مورد وضعیت مشقت بار خود دست به افشاگری زدند. اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی از جمله حزب کمونیست مارکسیست لنینیست (اکسیون پرولتری) به دغلقاری و سوء استفاده تبلیغاتی سیاستین پینیرا، رئیس جمهوری بورژوا محافظه کار شیلی از نجات کارگران معدن انتقاد کرده و وی و دولتش را که حامی سرمایه‌داران هستند، مسئول این حادثه که می‌توانست موجب مرگ کارگران گردد، دانستند.

قابل ذکر است که انعکاس جهانی این حادثه و سپس نجات این کارگران سبب گردید بسیاری از از دولت‌ها و رئیس جمهوری‌های جهان سعی نمایند با ارسال پیام شادباش، همبستگی خود را ابراز داشته و دولت سرمایه‌داری شیلی را قهرمان نجات کارگران این حادثه معرفی نمایند. باراک اوباما از جمله نخستین کسانی بود که پیامی به دولت شیلی ارسال نمود و گفت: "آمریکائیان در دعاهای خود به فکر معدنچیان و خانواده‌های آنان بودند". این اشک شادی در شرایطی ریخته می‌شود که آقای اوباما هنوز کودتای سیاه و جنایتکارانه ۱۹۷۳ و سرنگونی حکومت دموکراتیک و مستقل آئنده توسط امپریالیست آمریکا که مردم شیلی را هزاران کیلومتر در اعماق زمین فرو برد محکوم نکرده است و از پینوشه جنایتکار تا آخرین روزهای حیاتش دفاع نمود. کارگران و مردم شیلی فریب این گرگان در لباس میش را نخواهند خورد و برای پیشگیری از این گونه حوادث ناگوار با اتحاد و یگانگی نظام سرمایه‌داری را در تونل‌های تنگ و تاریک دفن و خود بر سر نوشتشان حاکم خواهند گشت. کارگران شیلی زمانی آزاد می‌شوند که نظام سرمایه‌داری در شیلی برافتد.

**زنده باد سوسیالیسم، زنده باد همبستگی بین‌المللی!**



## پاسخ به چند سؤال یکی از خوانندگان گرامی نشریات توفان

دوستان و رفقای توفان سلام مرا بپذیرید لطفاً در صورت امکان کتابچه تاریخچه حزب کارایران را برایم ارسال کنید و یا برایم بنویسید در ضمن برایم شرح دهید که چرا مخالف دولت غیر ایدئولوژیک هستید. سپاس از زحمت شما. با آرزوی موفقیت برایتان. آرمین درخشان

رفیق عزیز آرمین، با تشکر از نامه شما بطور فشرده:

حزب کار ایران (توفان) ادامه دهنده حزب کمونیست ایران، حزب توده ایران تا زمانی که خط مشی رویزیونیستی خروشچف را نپذیرفته بود، است. پس از غلبه رویزیونیسم بر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و سقوط حزب توده ایران به منجلا ب رویزیونیسم، کمونیست‌های ایران سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان را در چهل سال پیش به منزله ادامه دهندگان راه حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران بنیان گذاردند. به این مفهوم بنیانگذاران حزب کار ایران (توفان) رفقا احمد قاسمی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول ماهنامه مردم و دکتر غلامحسین فروتن عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران مسئول مجله تئوریک دنیا هستند. در کنار این رفقا، رفیق عباس سغانی عضو رهبری سازمان افسری حزب توده ایران به مخالفت با رویزیونیسم خروشچف پرداخت و حاضر به قبول خط مشی ضد انقلابی رویزیونیست‌ها نگردید و در کنار رفقا قاسمی و فروتن قرار گرفت. رفیق امیرخیزی عضو قدیمی حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران نیز در طی نامه‌ای پیوستن خویش را به "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" اعلام کرد و به طرد رویزیونیست‌های حزب توده ایران پرداخت. پیدایش حزب کار ایران (توفان) با بیان مختصر در خطوط کلی محصول این شرایط تاریخی بود. حزب کار ایران (توفان) یک تشکیلات مارکسیستی - لنینیستی است. حزب کار ایران (توفان) معتقد است که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر فصل نوینی در تاریخ بشریت آفرید. بلشویک‌های قهرمان شوروی تحت رهبری حزب کبیر کمونیست شوروی و رفیق لنین در پی آن برآمدند که دنیائی بسازند که تا به آن روز بشریت نظیر آن را به خود ندیده بود و تصور آن را در مخیله خود نداشت. دنیائی بدون استثمار. دنیائی متکی بر دیکتاتوری بر ضد ستمگران و دموکراسی وسیع برای اکثریت شکننده خلق. در شوروی بزرگ ترین دموکراسی تاریخ بشریت مستقر شد.

در شوروی ساختمان سوسیالیسم برای نخستین بار تحت رهبری معمار سترگ سوسیالیسم رفیق استالین برپا شد. حزب ما از سی سال دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی دفاع می کند و دستاوردهای این دوران تاریخی را الهام بخش مبارزه مردم و طبقه کارگر جهان برای پیروزی مجدد سوسیالیسم می داند. حزب ما پیرو ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم است و به ویژه بر لنینیسم که مارکسیسم دوران زوال امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی بوده و صحتش در عمل به ثبوت رسیده است، تکیه می کند. حزب ما ارزیابی تاریخی از دستاوردهای دوران رفیق استالین و دفاع از لنینیسم را ملاک تشخیص کمونیست‌ها از غیر کمونیست‌ها می داند. حزب ما در پی آن است که در ایران یک حکومت سوسیالیستی مستقر سازد که از منافع طبقه کارگر ایران و جهان حمایت کند.

**اما در مورد دولت غیر ایدئولوژیک**. به باور ما در جهان نظام غیر ایدئولوژیک وجود ندارد و همه نظام‌های شناخته شده، نظام‌های ایدئولوژیک هستند. طبقات حاکمه برای توجیه مناسباتی که در آن حاکمند همواره به دنبال دلایل توجیه می گردند تا نظام مورد نظر خود را بی عیب و نقص و جاودانی و تنها نظام ممکن جا زنند. این امر یک مبارزه ایدئولوژیک است. ایدئولوژی سرمایه‌داری، لیبرالیسم و فاشیسم است و ایدئولوژی پرولتاریا، سوسیالیسم است. در ایران کنونی ایدئولوژی سرمایه‌داری حاکم با رنگ مذهبی همراه است. به این جهت است این نوع پرسش که گویا نظام کنونی ایدئولوژیک است چون مذهبی است و نظام بعدی که گویا سرمایه‌داری خواهد بود غیر ایدئولوژیک است گمراه کننده بوده و دروغ بزرگ سرمایه‌داری است. در آینده ایران یا ایدئولوژی سوسیالیستی بر سر کار می آید و یا اشکال دیگری از ایدئولوژی سرمایه‌داری. از جمله نوع لیبرال، فاشیستی، مذهبی و یا مانند آمریکا ترکیبی از همه آنها. نظام پینوشه در شیلی سرمایه‌داری فاشیستی بود و نظام حاکم در عربستان سعودی نوع خاصی از سرمایه‌داری وابسته قبیله‌ای و کاملاً مذهبی است. پس نباید فریب تبلیغات ماشین عظیم ایدئولوژیک امپریالیست‌ها را خورد که بر ضد مسلمان‌ها اعلام جهاد داده‌اند و صنایع هالیوود را در خدمت توجیه نظام غارتگر سرمایه‌داری امپریالیستی به کار گرفته‌اند. ایدئولوژی ما سوسیالیسم است و ما برای استقرار آن به جای ایدئولوژی حاکم سرمایه‌داری مذهبی مبارزه می کنیم. بورژواها چون هنجارهای خویش را موازین عام جا می زنند و جهان را در قالب ایدئولوژی خویش جا می دهند هر چیز غیر "سرمایه‌داری" را "جانبدارانه"، "ایدئولوژیک" و در تناقض با "عمومیت" مورد پذیرش خویش معرفی می کنند. **پیروز باشید**

\*\*\*\*\*

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

## خواسته‌های طبقه کارگر و نقش ضد کمونیست‌ها در جنبش دموکراتیک

خواسته‌های دموکراتیک کارگران دامنه‌اش از خواسته‌های دموکراتیک بورژوازی گسترده تر است و به این جهت همه خواسته‌های بورژوازی را در درون خودش به یک می کشد. تعمیق دموکراسی و کشش به سمت طبقه کارگر شرط تضمین هر حقوق دموکراتیک دیگری است. ولی برای کشیدن کارگران به مبارزه باید از حقوق آنها دفاع نمود. باید پذیرفت که طبقه‌ای به نام طبقه کارگر وجود دارد، باید پذیرفت که مبارزه طبقاتی وجود دارد، باید پذیرفت که خصوصی سازی، لیبرالیسم دشمن طبقه کارگر است. باید پذیرفت که جامعه باید به سمت سوسیالیسم پیش رود. باید پذیرفت که بورژوازی دشمن کمونیسم و هواداران کارل پوپرها و اندیشمندان ضد کمونیست، دشمنان مردم ایرانند. باید هویت طبقه کارگر را به رسمیت شناخت، پذیرفت که ثروت جامعه ناشی از بهره کشی از طبقه کارگر است. تنها با این دید است که می شود با طبقه کارگر پیوند برقرار کرد برای تحقق دموکراسی مبارزه کرد.

همه کسانی که هم و غمشان این شده که خطابه‌های بالا بلند ضد کمونیستی امضاء کنند و افکار روشنفکران گمراه را بر ضد کمونیست‌ها و هواداران طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا بسیج کنند، بدترین مستبدین هستند که هرگز قادر نخواهند بود کار مبارزه دموکراتیک را به پایان برسانند. همه آنها که به پرولتاریا نه به مثابه طبقه‌ای مستقل که باید حزب خودش را داشته باشد نگاه کرده بلکه پرولتاریا را چرخ پنجم بورژوازی می دانند دشمنان دموکراسی در ایران هستند. همه آنها که می خواهند با تکیه بر جنبش سبز از بالای سر پرولتاریا و بدون حضور پرولتاریا دموکراسی مذهبی یعنی دموکراسی بین خودشان را در گفتن‌های مذهبی خویش به وجود آورند مستبدهای کلاسی هستند که نه هوادار کارگران هستند و نه از دموکراسی دفاع می کنند. همه آن روشنفکران توبه کاری که شکنجه نشده از مارکسیسم توبه کردند و کارل پوپرها را ذکر گرفتند و هر روز و هر شب قبل و بعد از غذا و قضای حاجت انزجار خویش را از خشونت مردم و نه خشونت حاکمیت ابراز می دارند و هوادار دموکراسی سلطنت طلبی شده‌اند بدترین مستبدینی هستند که با اوج مبارزه و تشدید تضادها باید ماهیت خویش را نشان دهند و قادر خواهند بود به بندبازی سیاسی ادامه دهند.

تشدید مبارزه، خطوط جبهه انقلاب و ضد انقلاب را روشن می کند و جنبش ۲۲ خرداد ۸۸ آغاز این صفتندی است. باید از اعتصاب کارگران برای حقوق دموکراتیک حمایت کرد، باید از آزادی احزاب به ویژه احزاب کارگری و کمونیستی حمایت کرد، باید از آزادی مطبوعات به ویژه مطبوعات کمونیستی حمایت کرد، باید هوادار آزادی همه زندانیان سیاسی و به ویژه زندانیان کمونیست بود که بیش از همه زندانیان در اسارت بورژواها و مستبدین بوده‌اند. برخورد به کمونیست‌ها معیار روشن ماهیت دموکراتیک جریان‌ها و یا افراد است. جنبشی که چنین دیدی، چنین برداشتی از مبارزه و برخورد به طبقه کارگر نداشته باشد قادر نیست طبقه کارگر را به صحنه بکشد و به عنوان متحد وی عمل کند. این جنبش خودش در مبارزه دموکراتیک منزوی می گردد. در دنیای امپریالیسم هرگز نمی شود مبارزه دموکراتیک را بدون پیوند زدن آن با مبارزه ضد امپریالیستی و بدون توجه به بسیج طبقه کارگر به پیش برد. این یکی از نقاط ضعف جنبش طبقه مرفه و متوسط کنونی جامعه ایران است که به جنبش سبز معروف شده است.

**زنده باد پیکار طبقه کارگر ایران علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

توفان شماره ۱۲۸ آبان ماه ۱۳۸۹

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

**رفقا، دوستان و یاران مبارز!**

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

[پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:](#)

- \* بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- \* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- \* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- \* ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولرین
- \* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- \* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- \* امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- \* توطئه بزرگ کتاب سوم
- \* توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس اینترنتی: [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

آدرس تماس: [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

**توفان در FACEBOOK و TWITTER**



**toufanhezbkar**

**دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!**